

داستان‌هایی برای گفت‌وگو با بچه‌ها

اگر والد هستید یا مربی یا معلم، احتمالا عبارت «فلسفه برای کودکان» به‌گوشتان خورده است. خاستگاه بحث فلسفه برای کودکان یا

نغمه رحیمی‌پور

قفسه کتاب

به اختصار «فبک»، آمریکاست و مبدع آن شخصی است به نام پروفیسور لیپمن. سال‌ها پیش که هنوز فبک مثل امروز در کشور ما رواج نیافته بود، رهبر معظم انقلاب در دیدار با خانواده شهید مطهری فرمودند منظومه فکری شهید مطهری را برای کودکان ارائه و از روش‌های فلسفه برای کودکان استفاده کنید.

بحث درخصوص فبک، روش‌ها و راهکارها، نقدها و کاستی‌ها، بحث مفصل و خارج از حوصله این یادداشت است، ولی علت پرداختن به این موضوع، عنوان یک مجموعه پنج‌جلدی از انتشارات سلام، واحد کودک انتشارات جمال است برای کودکان ۸ تا ۸ سال به نام «فکر، کودک، فلسفه»، که هرکدام از



نویسنده:

غلامرضا حیدری ابهری

انتشارات:

جمال

۱۲۰ صفحه

۵۹۰۰۰ تومان

جلدهای این مجموعه با یک نام مجزا به چاپ رسیده‌اند. انتشارات سلام، این کتاب را با برچسب «حکمت برای کودک» منتشر کرده است. بحث حکمت برای کودکان، موضوع جدیدی است که با فبک در محتوا و روش‌ها متفاوت است و پاسخ به این سؤال که آیا این مجموعه کتاب، زیرشاخه حکمت برای کودک است یا خیر، نیاز به بررسی کارشناسی دارد که این مورد هم موضوع بحث ما نیست.

مجموعه کتاب‌های «فکر، کودک، فلسفه» بدون درنظر گرفتن بحث‌های تخصصی که عنوان شد و این‌که آیا زیرشاخه حکمت برای کودکان قرار می‌گیرد یا نه، منبع خوبی برای والدین و معلمان است تا کودکان را به سمت گفت‌وگوهای هدفمند هدایت کنند. گفت‌وگوهایی با موضوع شکر نعمت‌های خدا، پذیرش تفاوت‌های فردی، دلالت التزامی، نظم در آفرینش الهی و پنجاه و اندی موضوع دیگر. تصاویر رنگارنگ و باکیفیت کتاب و گرافیک و صفحه‌آرایی خوب که بعضا همراه با چاشنی طنز است، به جذابیت کتاب افزوده است. در پایین هر بخش، یک کادر با عنوان «سخنی با بزرگ‌ترها» وجود دارد که هدف از موضوع مورد بحث در آن صفحه را برای والدین و مربیان بیان می‌کند، زیرا اگر مربی هدف یک گفت‌وگو را بداند در جهت‌دهی آن آگاهانه‌تر عمل می‌کند.

جناب آقای حیدری ابهری از نویسندگان دلسوز و پرکار در عرصه تولید کتاب دینی کودک است. شاید یکی از بهترین کتاب‌هایی که از ایشان دیده‌ام، همین مجموعه باشد.

اگر این کتاب‌ها در جمع بچه‌ها یا خواهر و برادرها خوانده شود، انگیزه کودکان برای مشارکت در گفت‌وگو بیشتر می‌شود. با این حال نویسنده سعی کرده بانثر کنجکاوی برانگیز، کتاب را به یک منبع خودخوان برای کودکان تبدیل کند به‌طوری‌که اگر کودک بدون حضور بزرگ‌ترها یا هم‌سن و سالانش سراغ این کتاب رفت، دست‌خالی و بدون دستاورد فکری برنگردد. به امید آن‌که به‌زودی و باهمت نویسندگان دغدغه‌مند، بعد از ۳۰ سال بتوانیم این خواسته رهبران را تحقق ببخشیم و منابع غنی برای رشد تفکر کودکان تولید کنیم. □

از درخت خرما لوی حیاط مادر بزرگ تا سیاره‌های پیشرفته دوردست

نوجوانی چند نسل در کنار هوشمندان سیاره‌اوراک



برنا خانم
از کلاس نهم!

برنا که مهر امسال به
کلاس نهم می‌رود

وقتی خیلی کوچک بودم خاله‌ام کتابی که این هفته می‌خواهم معرفی کنم را برایم از حفظ می‌خواند. می‌گفت توی بچگی آنها، کتاب‌های مخصوص نوجوان آن‌قدرها زیاد نبوده و برای همین خیلی عادی بوده که یک کتاب را چندبار بخوانند و او آن‌قدر این کتاب را دوست داشته که چند بار خوانده و قسمت‌هایی از آن را حفظ شده. خاله‌ام همیشه خطوط ابتدایی کتاب را برایم می‌خواند: «صبا دختری که چشمانی تابناک و پرفروغ داشت در سیاره اوراک نشسته بود و به آواز ده‌ها قناری گوش می‌کرد. از اتاق پهلویی گاه‌گاه صدای ناله‌ای برمی‌خاست...» بعد برایم تعریف می‌کرد که صبا یک دختر نوجوان است که یک روز خیلی اتفاقی به «سیاره اوراک» می‌رود و تا ۱۵ سال نمی‌تواند برگردد. ۱۵ سال بعد داستان از جایی شروع می‌شود که خواهرزاده‌اش «زنبق» می‌خواهد راز گم شدن او را کشف کند. وقتی خاله‌ام اینها را تعریف می‌کرد من تصور می‌کردم که جای زنبق هستم، خاله‌ام ۱۵ سال پیش به سیاره اوراک رفته و حالا می‌خواهم پیدایش کنم. بعد با ذوق می‌گفتم که ادامه‌اش را برایم بگویند و خاله می‌گفت بگذار اول داستان گم شدن صبا را برایت تعریف کنم.

و می‌گفت داستان از جایی در سیاره اوراک شروع می‌شود، سیاره‌ای که خیلی به زمین نزدیک، اما نامرئی است. موجوداتی که آنجا زندگی می‌کنند نسلی از آدم‌ها هستند که سال‌ها پیش به آن سیاره رفته‌اند اما حالا خیلی خیلی پیشرفته‌تر از آدم‌های روی کره زمین شده‌اند و به همین دلیل دیگر به خودشان «انسان» نمی‌گویند و تبدیل به موجودات جدیدی به نام «هوشمند» شده‌اند. توی همین سیاره هوشمندی به نام «آدپا» وجود دارد که با تلسکوپ فوق‌پیشرفته‌اش زمین را رصد می‌کند و یک روز متوجه می‌شود که آدم‌های روی کره زمین هاله‌هایی دارند که هوشمندان آن را ندارند. به همین دلیل راه می‌افتد و به زمین می‌رود تا راز «هاله انسانی» را کشف کند و این طوری می‌شود که «صبا» را به سیاره اوراک می‌آورد.

به اینجا که می‌رسید من بیشتر ذوق می‌کردم و بالا و پایین می‌پریدم و می‌خواستم بقیه‌اش را برایم بگویند. اما خاله می‌گفت که هنوز زود است و وقتی خواندن و نوشتن یاد گرفتم می‌توانم خودم کتاب را بخوانم و از «راز هاله انسانی» سردر بیاورم. بعد من می‌گفتم حداقل بگویند زنبق می‌تواند خاله‌اش را پیدا کند؟ و باز هم جوابی نمی‌داد و می‌گفت اگر فقط کمی صبر کنم، می‌توانم خودم کتاب را بخوانم.

برای همین هم «هوشمندان سیاره اوراک» اولین کتاب بلندی بود که من بعد

از باسواد شدنم خواندم. یادم هست دفعه اول خیلی چیز زیادی از آن نمی‌فهمیدم. فقط با سختی و اشتیاق صفحه‌ها را ورق می‌زدم تا کشف کنم هاله انسانی چیست؟ زنبق، صبا را پیدا می‌کند؟ و چه بر سر هوشمند آدپا می‌آید؟ حالا که فکر می‌کنم بعد از این همه سال هنوز صحنه‌های داستان در ذهنم نقش بسته. می‌توانم چشم‌هایم را ببندم و خانه صبا را تصور کنم. حیاطی با درخت خرما، ایوانی که مادر صبا بعد از ظهرها در آن چرت می‌زند، هفت تا در که یکی از آنها در اتاق صباست و برای زنبق همیشه قفل است و خودم که جای زنبق هستم و در این خانه بزرگ راه می‌روم و به خاله گمشده‌ام فکر می‌کنم. چند سال بعد وقتی بزرگ‌تر شدم دوباره یک روز سراغ هوشمندان سیاره اوراک رفتم. آن موقع دیگر کتاب‌های خیلی زیادی خوانده بودم. همان‌طور که خودتان هم می‌دانید من از داستان‌های تخیلی خیلی خوشم می‌آید. تا آن روز هرچه کتاب تخیلی خارجی دستم رسیده بود را خوانده بودم. وقتی دوباره مشغول خواندن هوشمندان سیاره اوراک شدم تازه فهمیدم که چقدر خوب است! داستان‌ش به‌خوبی باقی داستان‌های علمی-تخیلی‌ای بود که خوانده بودم با این تفاوت که شخصیت‌هایی دوست‌داشتنی و لطیف داشت که می‌توانستم خودم را جایشان بگذارم و از آن‌ها مهم‌تر در مکانی اتفاق می‌افتاد که برای من آشنا بود. شهری شبیه شهر خودم، خانه‌ای شبیه خانه مادر بزرگم. اگر یادتان باشد قبلا هم گفته بودم که از داستان‌هایی که در مکان‌های آشنا اتفاق می‌افتد، خوشم می‌آید.

حالا که قرار شد این هفته در تحریریه کمی از ادبیات علمی-تخیلی حرف بزنیم، بین هزاران کتاب علمی-تخیلی توی کتابخانه‌ام هوشمندان سیاره اوراک را انتخاب کردم. داستان آدم‌هایی فوق‌پیشرفته که در سیاره‌ای نامرئی زندگی می‌کنند اما یک چیز خیلی مهم را در زندگی‌شان از دست داده‌اند و صبا این گمشده را برایشان از زمین می‌آورد و آدپا که به همه مقتضیات هوشمند بودن را کنار می‌گذارد تا آن گمشده را بهتر درک کند. حالا برای این هفته، سراغ هوشمندان سیاره اوراک بروید، کتابی دوجلدی جلد دوم، چند سال بعد از جلد اول منتشر شد.

گاهی با خودم فکر می‌کنم ای‌کاش یک روز فربیا کلهر تصمیم بگیرد جلد سوم کتاب را هم بنویسد. ادامه ماجراهای هوشمندان سیاره اوراک وقتی خیلی از زمین دورتر شده‌اند. □

نویسنده:

فربیا کلهر

انتشارات:

قدیانی

۳۹۹ صفحه

۵۲۰۰ تومان

